

0938 - 335 - 0983

www.Riazi100.ir



مهندس حامد دلیجه

فارغ التحصیل صنعتی امیر کبیر تهران

کسی که ریاضی کنکور را ۱۰۰٪ زد

کلاس نکته و تست ریاضیات - تهران و سراسر کشور



فرید دی وی دی
جمع بندی ریاضی



دی وی دی مسابقات
ذهنی در شیمی و فیزیک



کلاس خصوصی ریاضی
مهندس حامد دلیجه



همایش ریاضی شهرستان
مهندس حامد دلیجه



مشاوره تلفنی
۴۵ دقیقه ای



کلاس آنلاین ریاضی
مهندس حامد دلیجه

0938 - 335 - 0983

www.Riazi100.ir

شیوه تفکر ریاضی مهم تر از دانستن راه حل مسائل ریاضی است



مبنای آموزشی ما تأکید بر این نکته است

* إلهي ...!

إلهي: مخفف «يا إلهي» می باشد ← (یا: حرف (نشانه) ندا / اله: منادای مضاف، معرفه به اضافه / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور)

* ربُّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي و يَسِّرْ لِي أَمْرِي.

ربُّ: در اصل «یا ربی» بوده است ← (یا: حرف ندا / ربُّ: منادای مضاف / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور) / اشْرَحْ: فعل امر و فاعلش ضمیر مستتر أنت، للمُخاطَب / لی: جار و مجرور / صَدْرُ: مفعول به و منصوب / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور / و: حرف عطف غیر عامل («و» عاطفه) / يَسِّرْ: فعل امر و فاعلش ضمیر مستتر أنت / لی: جار و مجرور / أمر: مفعول به و منصوب / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور

* واحلُّ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي.

أحلُّ: فعل امر و فاعلش ضمیر مستتر أنت / عُقْدَةٌ: مفعول به و منصوب / من: حرف جرّ / لِسَانِي: مجرور به حرف جرّ / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور / يَفْقَهُوا: فعل مضارع مجزوم و فاعلش ضمیر بارز «و» / قَوْل: مفعول به و منصوب / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور

■ نکته: اگر بعد از فعل امر یا نهی (که در این جمله فعل امر است)، فعل مضارع قرار بگیرد، به آن فعل مضارع «جواب طلب» گفته شده و مجزوم می شود. در هنگام ترجمه نیز میان فعل امر و فعل مضارع مجزوم، فقط «ت» را به ترجمه اضافه می کنیم.

فعل امر (یا نهی) + فعل مضارع
فعل طلب؛ جواب طلب؛ فعل مضارع مجزوم

* اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ و أَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ.

اللَّهُمَّ: «م» (میم مشدّد) در این کلمه، نشانه ی ندا است. / أَخْرِجْ: فعل امر از باب إفعال و فاعلش ضمیر مستتر أنت / ن: (ن) وقایه / ی: ضمیر متصل منصوبی، مفعول به و محلاً منصوب / من: حرف جرّ / ظُلُمَاتِ: مجرور به حرف جرّ / وَهْم: مضاف إليه و مجرور / و: حرف عطف غیر عامل / أَكْرِمْ: فعل امر از باب إفعال و فاعلش ضمیر مستتر أنت / ن: (ن) وقایه / ی: ضمیر متصل منصوبی، مفعول به و محلاً منصوب / ب: حرف جرّ / نُور: مجرور به حرف جرّ / فَهْم: مضاف إليه و مجرور

* اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ.

اللَّهُمَّ: «م» (میم مشدّد) در این کلمه، نشانه ی ندا است. / افْتَحْ: فعل امر و فاعلش ضمیر مستتر أنت / علی: حرف جرّ / نا: ضمیر متصل مجروری، مجرور به حرف جرّ و محلاً مجرور / أَبْوَاب: مفعول به و منصوب / رَحْمَةٌ: مضاف الیه و مجرور / ک: ضمیر متصل مجروری، مضاف الیه و محلاً مجرور / و: حرف عطف غیر عامل / انْشُرْ: فعل امر و فاعلش ضمیر مستتر أنت / خَزَائِنَ: مفعول به و منصوب / عُلُوم: مضاف الیه و مجرور / ک: ضمیر متصل مجروری، مضاف الیه و محلاً مجرور

* رَبِّ يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ.

رَبِّ: در اصل «یا ربّی» بوده است ← (یا: حرف ندا / ربّ: منادای مضاف / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف الیه و محلاً مجرور) / يَسِّرْ: فعل امر و فاعلش ضمیر مستتر أنت / و: حرف عطف غیر عامل / لَا تُعَسِّرْ: فعل نهی و فاعلش ضمیر مستتر أنت

* اللَّهُمَّ فَرِّحْ قَلْبِي.

اللَّهُمَّ: «م» (میم مشدّد) در این کلمه، نشانه ی ندا است. / فَرِّحْ: فعل امر از باب تفعیل و فاعلش ضمیر مستتر أنت / قلب: مفعول به و منصوب / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف الیه و محلاً مجرور

* اللَّهُمَّ انْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً.

اللَّهُمَّ: «م» (میم مشدّد) در این کلمه، نشانه ی ندا است. / انْهَجْ: فعل امر و فاعلش ضمیر مستتر أنت / لی: جار و مجرور / إلى: حرف جرّ / مَحَبَّةٌ: مجرور به حرف جرّ / ک: ضمیر متصل مجروری، مضاف الیه و محلاً مجرور / سَبِيلًا: مفعول به و منصوب / سَهْلَةً: صفت مونث برای «سَبِيلًا»، منصوب

■ نکته: کلمه *سَبِيلٌ* «سَبِيلٌ» هم مذکر و هم مؤنث محسوب می شود. این بدان معنی است که اگر صفتی برای آن، مثل *مَدْرَسِ* یا *مَدْرَسِ*، آن صفت را هم به شکل مذکر و هم به شکل مؤنث می توانیم استفاده کنیم.

مثال: کاربرد هر دو درست هستند ← سَبِيلًا سَهْلَةً - سَبِيلًا سَهْلًا

* إِلَهِي لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلًا. وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي دَلِيلًا.

إِلَهِي: مخفّف «یا الهی» می باشد ← (یا: حرف (نشانه) ندا / اله: منادای مضاف، معرفه به اضافه / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف الیه و محلاً مجرور) / لَا تَجْعَلْ: فعل نهی و فاعلش ضمیر مستتر أنت / لِلشَّيْطَانِ: جار و مجرور / علی: حرف جرّ / عَقْلٌ: مجرور به حرف جرّ / ی: ضمیر متصل مجروری، مضاف الیه و محلاً مجرور / سَبِيلًا: مفعول به و منصوب. و: حرف عطف غیر عامل / لا: برای تأکید (بعد از «لا» فعل «تَجْعَلْ» به قرینه ی لفظی حذف

شده است.) / اللَّبَاطِلِ: جار و مجرور / عَلِيٌّ: حرف جرّ / عَمَلٌ: مجرور به حرف جرّ / ي: ضمير متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور / دَلِيلًا: مفعول به و منصوب

* اللَّهُمَّ أَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ وَ جَنَّبْنَا مَعْصِيَتَكَ. بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ: «م» (میم مشدّد) در این کلمه، نشانه ی ندا است. / أَلْهِمَّ: فعل امر از باب إفعال و فاعلش ضمير مستتر أنت / نا: ضمير متصل منصوبی، مفعول به أوّل و محلاً منصوب / طَاعَةً: مفعول به دوم و منصوب / ك: ضمير متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور / و: حرف عطف غیر عامل / جَنَّبَ: فعل امر از باب تفعیل و فاعلش ضمير مستتر أنت / نا: ضمير متصل منصوبی، مفعول به أوّل و محلاً منصوب / مَعْصِيَةً: مفعول به دوم و منصوب / ك: ضمير متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور. ب: حرف جرّ / رَحْمَةً: مجرور به حرف جرّ / ك: ضمير متصل مجروری، مضاف إليه و محلاً مجرور / يا: حرف ندا / أَرْحَمَ: منادای مضاف / الرَّاحِمِينَ: مضاف إليه و مجرور به اعراب فرعی «ی»

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ – ترجمه متن درس

ای خدای من ...!

پروردگارا، سینه ام را برایم بگشای (فراخ گردان) و کارم را برای من آسان ساز (آسان کن).
و گره از زبانم بگشای تا سخن مرا درک کنند (بفهمند).

خدایا، مرا از تاریکی های خیال و توهم خارج کن و مرا با نور درک و فهم گرامی بدار.
خدایا، بر ما درهای رحمت را بگشای و بر ما گنجینه های دانشت را بگستران (باز کن).
پروردگارا، آسان ساز و سخت مگیر.

خدایا، دلم را شاد کن.

خدایا، برای من به سوی محبت تو راهی آسان نشان بده.

ای خدای من، برای شیطان بر عقل من راهی قرار مده. و برای باطل بر عملم (کردارم) راهنمایی قرار مده.
خدایا، برای ما فرمان برداریت را الهام کن (در دل ما بیفکن) و ما را از نافرمانیت دور کن. به رحمت (سوگند)، ای مهربان ترین مهربانان.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ – قواعد درس

📖 بحث معرفه و نکره :

الف) نکره: اسمی است که بر شیء یا شخص نامشخص دلالت می کند.

مانند ← رَأَيْتُ زَنْبِيلاً فِيهِ أَطْعَمَةٌ لَذِيذَةٌ: زَنْبِيْلِي را دیدم که در آن غذاهای خوشمزه ای وجود داشت.

ب) معرفه: اسمی است که بر شیء یا شخص مشخص دلالت می کند.

مانند ← جَاءَ التَّلْمِيذُ: دانش آموز آمد.

■ نکته: بحث معرفه و نکره، مخصوص اسم است و شامل حرف و فعل نمی‌شود.

📖 اقسام معرفه :

۶ نوع از اسم‌ها معرفه هستند و به جز این‌ها، بقیه‌ی اسامی همگی نکره می‌باشند. در زیر به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱- ضمیر :

کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند و مانع تکرار آن می‌شود. ضمیر به طور خلاصه دارای انواع زیر است:

انواع ضمیر							
مستتر (پنهان)				بارز (آشکار)			
جوازی		وجوبی		متصل		منفصل	
غیر از موارد وجوبی، در بقیه‌ی صیغه‌ها استتار ضمیر جایز است.	در صیغه‌ی للمتكلم وحده و مع الغير فعل مضارع و امر	در صیغه‌ی للمخاطب فعل مضارع و امر	جرّی؛ مانند «ی» در کتابی یا در لی	نصبی؛ مانند «نا» در فعل نصرنا	رفعی؛ مانند «ت» در فعل ذهبت	نصبی؛ مانند «ایاه»	رفعی؛ مانند «هو»

۲- اسامی علم :

اگر فرد، شیء یا مکانی را از میان یک جنس مانند شهر انتخاب کنیم و نام مشخصی برای آن بگذاریم، مانند تبریز، آن فرد یا شیء یا مکان را که الآن دارای نام مشخص است، «اسم علم» می‌نامند.

۳- معرفه به «ال» :

هرگاه به قبل یک اسم نکره، حرف تعریف «ال» افزوده شود، آن اسم معرفه به «ال» خواهد شد.

«ال» + طالب (اسم نکره) ← الطالب

«ال» + طالب (اسم نکره) ← الطالب

■ نکته: «ال» و تنوین، هرگز در یک کلمه با هم نمی‌آیند.

× کاربرد درست: الطالب ✓ کاربردهای درست: الطالب یا طالب

۴- معرفه‌ی به اضافه :

هرگاه یک اسم نکره به اسم معرفه اضافه شود (اسم نکره مضاف و اسم معرفه مضاف الیه باشد)، اسم نکره تبدیل به معرفه شده و این معرفه، از نوع معرفه به اضافه (معرف بالاضافه) است.

اسم نکره + اسم معرفه

معرفه به اضافه

■ نکته: در صورت اضافه شدن اسم نکره به اسم نکره (رکن نه معرفه)، آن اسم نکره تبدیل

معرفه نشده و در این صورت دو اسم نکره (یک مضاف و دیگری مضاف الیه) خواهیم داشت.

اسم نکره + اسم نکره

■ نکته: مضاف هیچ وقت تنوین یا «ال» نمی‌گیرد.

* کاربردهای نادرست: الباب المدرسه یا باب المدرسه ✓ کاربرد درست: باب المدرسه

جمع بندی: از نکته های اخیر نتیجه می گیریم که اسامی معرب معمولاً یا فقط ال می گیرند، یا فقط تنوین می گیرند و یا فقط اضافه می شوند و این سه فاکتور نمی تواند یک جا در یک اسم ظاهر شود، حتی کاربرد دو تا از آن ها یک جا در یک اسم کاملاً نادرست است. این نکته را کتاب به صورت زیر بیان می کند: «اسم های معرب، معمولاً با یکی از سه حالت ذیل دیده می شوند: دارای تنوین، دارای ال، اضافه» (صفحه ۲) ۵- اسامی اشاره :

اسم های اشاره در حالت مثنی، معرب و در حالت های مفرد و جمع مبنی هستند.

الف) اسامی اشاره مکانی: ۱- هُنَا: اینجا

۲- هُنَاكَ: آنجا

ب) به جدول زیر دقت کنید:

اشاره به دور		اشاره به نزدیک		اسامی اشاره
مونث	مذکر	مونث	مذکر	
تِلْكَ	ذَلِكَ	هَذِهِ	هَذَا	مفرد
تَانِكَ - تَيْنِكَ	ذَانِكَ - ذَيْنِكَ	هَاتَانِ - هَاتَيْنِ	هَذَانِ - هَذَيْنِ	مثنی
أُولَئِكَ	أُولَئِكَ	هُؤُلَاءِ	هُؤُلَاءِ	جمع

■ نکته:

۱- اسم بعد از اسم اشاره هرگاه دارای «ال» باشد (مترادف)، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می شود.

مثال: هُوَلَاءِ الْمُعَلِّمُونَ زَهَبُوا إِلَى الْمَدْرَسَةِ ← این معلمان، به مدرسه رفتند.

مفرد

۲- اسم بعد از اشاره هرگاه بدون «ال» بیاید، اسم اشاره طبع صیغه خود ترجمه می شود.

مثال: هُوَلَاءِ مُعَلِّمُونَ ← ایشان (این ها)، معلم هستند.

در مثال اول، « الْمُعَلِّمُونَ » صفت است ولی در مثال دوم، « مُعَلِّمُونَ » خبر است.

■ نکته: برای اشاره به اسمی جمع عاقل (انسان) از « هُوَلَاءِ » و « أُولَئِكَ » استفاده می کنیم ولی برای اشاره به اسمی جمع غیر عاقل (غیر انسان)، از اسمی اشاره مفرد مونث (هَذِهِ - تِلْكَ) بهره می گیریم. این نکته، در مورد صفت نیز صادق است.

مثال: أُولَئِكَ الْمُعَلِّمُونَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ - هَذِهِ الْأَشْجَارُ بَاقِيَةٌ

■ نکته: اسم دارای «ال» بعد از اسمی اشاره اگر مشق باشد، نقش صفت و اگر جامد باشد، نقش عطف بیان به خود می گیرد.

۶- اسامی موصول :

بر دو نوع اند:

الف) اسم موصول عام (مشترک):

برای مفرد، مثنی و جمع و مذکر و مؤنث یکسان به کار می رود. این دو اسم موصول عام یا مشترک، «مَنْ» و «مَا» می باشند که «مَنْ» (به معنی کسی که، کسانی که) برای عاقل به کار می رود و «مَا» (به معنی چیزی که، چیزهایی که، آن چه) برای غیر عاقل به کار می رود.

ب) اسم موصول خاص:

که باید برای هر شخص (صیغه)، متناسب با خود آن به کار رود.

اسامی موصول خاص	مذکر	مؤنث
مفرد	الَّذِي	الَّتِي
مثنی	الَّذَيْنِ - الَّذِينَ	اللَّتَيْنِ - اللَّاتِي
جمع	الَّذِينَ	الَّذِينَ

■ نکته: اسامی موصول عام مبنی اند و اسامی موصول خاص در حالت مثنی، معرب و در حالت مفرد و جمع، مبنی هستند.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ - مطالبی که «باید» آن ها را بدانید

- * مطلب ۱: اسامی استفهام به جز «أَيُّ» (به معنی کدام) مبنی می باشند.
- * مطلب ۲: فعل «جَنَّبَ» از باب تفعیل بوده و متعدی است؛ یعنی، فعل یاد شده به مفعول نیاز دارد.
- * مطلب ۳: فعل «إِجْتَنَّبَ» از باب افتعال بوده و لازم است؛ یعنی، فعل یاد شده به مفعول نیاز ندارد.
- * مطلب ۴: مضاف زمانی معرفه می شود که مضافُ الیه آن معرفه باشد.
- * مطلب ۵: «تنوین» لزوماً علامت نکره بودن نیست. برای مثال ← اسامی عَلَم اگر تنوین هم بگیرند، همان اسم عَلَم هستند و معرفه؛ یعنی، در این حالت، اسم دارای تنوین است ولی نکره نیست.
- * مطلب ۶: معنای فعل «غَرَّدَ»، «آواز خواند» می باشد.
- * مطلب ۷: مفهوم جمله «بَشَّاشَةُ الْوَجْهِ خَيْرٌ مِنْ سَخَاءِ الْكَفِّ» را در جمله های «إِظْهَارُ الْفَرْحِ عِنْدَ النَّاسِ» و «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ» می توان یافت.
- * مطلب ۸: «سَخَاءٌ» به معنای بخشش است و ترکیب «سَخَاءُ الْكَفِّ» به معنای بخشندگی می باشد.
- * مطلب ۹: کلمه «نَفْسٌ» مؤنث معنوی می باشد؛ پس، هنگام به کار بردن فعل یا صفت برای آن، باید شکل مؤنث آن ها را استفاده کنیم.
- * مطلب ۱۰: فعل «أَخْرَجَ» فعل امر از باب افعال بوده و باید معنای متعدی داشته باشد؛ یعنی، نباید آن را به صورت «خارج شو» معنی کنیم؛ چون، در این صورت این فعل به مفعول نیاز ندارد. پس، باید فعل یاد شده را به صورت «خارج کن» معنی کنیم تا به مفعول نیاز داشته باشد. این موضوع، در مورد فعل «أَدْخَلَ» نیز صادق است.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ – معنی و نکات لغات درس (خارج از متن اصلی)

أَيُّ: کدام	اِشْرَحُ = وَسَّعُ (بگشای، فراخ گردان)
رَبٌّ = یا رَبِّي (ای پروردگار من)	غَرَّدَ: آواز خواند
يَهْدِي: هدایت می کند، راهنمایی می کند	أَقْوَمُ: درست تر، پایدار تر
إِبْتَعَدَ = إَجْتَنَبَ (دوری کرد، دور شد)	بَعَدَ = جَنَّبَ (دور کرد)
كِرَامٍ: جمع مکسر «کریم»، جوانمردان، بخشنندگان	يَسْرَ (آسان کرد) ≠ عَسَرَ (سخت کرد)
الْقَوْلُ = الكلام (سخن، قول)	ظُلُمَات (تاریکی ها) ≠ أَضْوَاء (روشنایی ها)
أَخْرَجَ (خارج کن) ≠ ادْخَلَ (داخل کن)	السَّبِيلُ = الطَّرِيق (راه)
جَنَّبَ (دور کرد) ≠ قَرَّبَ (نزدیک کرد)	تَرْجِمُ: ترجمه کن
صَفْوَةٌ: برگزیده	مَوْلَعَةٌ: مشتاق، حریص
فَوَاضِلٍ: جمع مکسر «فاضل»، گسترده ها	نَعْمَاء: احسان
سَوَابِغٍ: جمع مکسر «سابغ»، کامل ها، تمام ها	مُتَزَوِّدَةٌ: توشه گیرنده
آلاء: جمع مکسر «إلى»، نعمت ها	لِقَاء = زيارَة (دیدار)

مهندس حامد دلیجه

فارغ التحصیل از دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک)
رتبه ۲۰۰ کنکور سراسری ریاضی
مشاوره تحصیلی تلفنی / کلاس آنلاین ریاضی
کلاس خصوصی ویژه / پکیج دی وی دی های ریاضیات
۰۹۳۸۳۳۵۰۹۸۳

کسی که ریاضی کنکور را ۱۰۰٪ یاد